

ترافیک و قوانین نانوخته کودکانه

دغدغه‌های ترافیکی فرزندانمان را جدی بگیریم

در دقیقه‌هایی که باناسزا گفتن و رفتارهای عجیب و غریب بزرگ‌ترها می‌گذرد، چه تصویری در ذهن آن‌ها نقش می‌بندد. امروز که روز ملی کودک نام‌گذاری شده است، روز همین افرادی است که همراه همیشگی مادر شرایط متعدد هستند و خیلی اوقات چون برچسب کودک بر پیشانی آن‌ها خورده، برخی از بزرگ‌ترها حضورشان را جدی نمی‌گیرند! به همین مناسبت از تعدادی از آن‌ها خواستیم به عنوان یکی از کاربران ترافیکی کوچک اتفاقات ترافیکی شهرمان را از پشت پنجره‌های صندلی عقب خودرو یا روی خط عابر پیاده، به روی کاغذ بیاورند و از اتفاقاتی بنویسند که برای آن‌ها دغدغه است. مطلب پیش‌رو دستخط کودکانی است که نگرانی‌های کف خیابان را با جان و دل لمس می‌کنند.

ملیحه ابراهیمی | خیلی وقت‌ها حواسمان نیست که چطور با رفتارهای اشتباهمان حالا آگاهانه یا ناآگاهانه تیشه به ریشه تربیت فرزندانمان می‌زنیم. ساعتی یک جمع خانوادگی را پشت ترافیک گره خورده خیابان احمدآباد در نظر بگیریم. خیلی‌ها که برای حقوق خود و دیگران احترام قائل هستند تا خروج از ترافیک برابر قوانین عمل می‌کنند اما در آن بین پدران و مادرانی هستند که به علت پایین بودن آستانه تحملشان شرایط موجود را به بدترین شکل تغییر می‌دهند. به عنوان نمونه دستشان را برای چند ثانیه روی بوق می‌گذارند، به دنبال تغییر مسیرهای ناگهانی هستند، اعتقادی به رانندگی بین خطوط ندارند و این آمادگی را دارند که برای تخلیه روانی خود یا یکی دیگر از کاربران گیر افتاده در ترافیک حتی بقه به بقه شوند! با این توصیف تصور کنیم که کودکان این خانواده روی صندلی عقب نشسته‌اند.



ویهان / متولد ۱۳۹۶ / کلاس چهارم

چرا بعضی‌ها قانون شکنی می‌کنند؟

یک چهارراه نزدیک خانه ما هست که یک دوربرگردان دارد. این دوربرگردان برای آن است که ماشین‌هایی که می‌خواهند دور بزنند پشت چراغ قرمز طولانی و چهارزمانه چهارراه معطل نشوند. اما من زیاد می‌بینم که بعضی راننده‌ها این مسیر را می‌بندند و من از این کار که اسمش قانون شکنی است، بدم می‌آید. خیلی وقت‌ها پدرم از ماشین پیاده می‌شود و به آن راننده‌ها تذکر می‌دهد، جالب اینجاست که بعضی از آن‌ها شاکی می‌شوند که چرا یک نفر به آن‌ها تذکر داده است. پدرم می‌گوید: این‌ها بزرگ هستند اما منظورش واقعاً زنگ نیست، منظورش احتمالی شعور است. واقعاً چرا بعضی‌ها زنگ هستند و قانون شکنی می‌کنند؟

نورا / متولد ۱۳۹۸ / کلاس دوم

یک کامیون برایمان ایستاد

یک روز داشتیم با مامانم از کوچه‌رد می‌شدیم و خط عابر نبود، اما ماشین ایستاد. از مدرسه داشتیم می‌رفتیم که ماشین ایستاد. یک روز دیگر داشتیم با مامانم از مدرسه به خانه می‌رفتیم جای خط عابر، یک کامیون برای ما ایستاد. چرا بعضی از ماشین‌ها با سرعت از خط عابر رد می‌شوند؟

ستاره / متولد ۱۳۹۵ / کلاس پنجم

پشت فرمان نشین حواس پرت!

سلام من بیشتر از همه برایم این قسمت عجیب است که وقتی ترافیک است وقتی که چراغ قرمز می‌شود تازه ماشین‌ها راه می‌افتند. من و مادرم یک روز داشتیم به خانه بر می‌گشتیم به یک ماشین دیگر برخورد کردیم. این آقا خیلی بی‌ادب بود و گفت: کی به تو گواهی نامه داده؟ من خیلی ناراحت شدم و وقتی می‌خواستم برم با آقا به دعوا کنم مامانم آرام از ماشین پیاده شد تا اوضاع رو بررسی کنه اما آقا به سر مامانم داد زد. من می‌خواستم بزنش ولی مامانم از خانمش خواست که به اون آقا به بگه مامانم از عمد نزده. اما خانمه بی‌ادب تر بود و گفت: تو نباید پشت فرمون بشینی چون خیلی حواس پرتی! اون آقا خانم جلوی در بیمارستان جای خیلی بدی پارک کرده بودند. یک روز دیگر من و بابام رفته بودیم بیرون. پدرم فرمان را همش راست و چپ می‌کرد. من آن پشت همش تکان تکان می‌خوردم. خیلی باحال بود.

ترگل / متولد ۱۳۹۵ / کلاس پنجم

یکی از دغدغه‌های من برای روزی که راننده شوم

یکی از دغدغه‌های من این است که در خیابان‌ها و کوچه‌ها برای پیچیدن یا وارد شدن راهنما نزنند. روزی با مادرم در خیابان قدم می‌زدیم که ناگهان ماشینی با سرعت از جلوی ما پیچید. ثانیه اول دلم ریخت و چادر مادرم را از همیشه محکم تر گرفتم و در آغوش مادرم رفتم. چند دقیقه بعد صدای ضربه شدیدی آمد. مردی که چند ثانیه پیش با سرعت وارد کوچه شده بود، چپ کرده بود. دلیل تصادف بدون راهنما پیچیدن بود داخل کوچه، ولی متأسفانه خودرو پشت سری باعث تصادف شده بود. دغدغه دیگر من موتورسوارهایی هستند که کلاه ایمنی ندارند و در شهر تردد می‌کنند. حکایت کلاه کاسک همان کمربند برای رانندگان پشت فرمان ماشین است. بعضی از مردم که موتورسوار می‌شوند و کلاه ندارند نمی‌دانند که خودشان باعث مرگ خودشان می‌شوند. روزی من خودم از نزدیک تصادف یک موتورسوار را با یک خودرو دیدم. من و مادرم به اورژانس زنگ زدیم برای کمک آن دو تا! اما موتورسوار زمانی که موتورش زمین خورد، سرش زودتر به جدول خورده بود.

رها / متولد ۱۳۹۳ / کلاس ششم

از مهمان مدرسه تا وقتی خانوادگی پشت ترافیکیم

امروز مهمانی از طرف نیروی انتظامی به مدرسه ما آمد. این مهمان اول با خنده به سمت مدیر مدرسه رفت و گفت: خیلی خوشحالم که در مدرسه حضور دارم و بعد به سمت صف دانش‌آموزان رفتم. اول گفت: کی میدونه ترافیک یعنی چی؟ چند نفر یک چیزایی گفتن، من گفتم: ترافیک یعنی وقتی که یک یا چند خیابان به دلایلی مانند تصادف

صدای آهنگ ماشین را زیاد می‌کنیم و همگی دست می‌زنیم و می‌خندیم تا با با هم بخندد. البته خواهر کوچکم با دادا طوارش بیشتر اثر می‌گذارد. در آخر پرسید: چه کار کنیم که ترافیک کمتر بشود؟ گفتم: به جای استفاده از ماشین خودمون از اتوبوس، مترو و تاکسی استفاده کنیم. بعد بچه‌ها برایم دست زدند و یک جایزه هم از مهمانمان گرفتیم. در راه برگشت از مدرسه با خودم گفتم واقعاً با این وضعیت بنزین و گرانی آن چرا هنوز خیابان‌ها پر از ماشین است؟

خطرناک است یا ماشین‌های آتش‌نشانی که اگر دیر برسند شاید خانه‌ای در آتش نابود شود و آدم‌ها که دیرتر به محل کار می‌رسند یا دانش‌آموزانی که دیر به مدرسه می‌رسند و توسط ناظم جریمه می‌شوند. البته بعضی وقت‌ها هم ترافیک خوب است مثلاً زمانی که امتحان ریاضی داریم و معلم دیر می‌رسد و امتحان نمی‌گیرد. وای بدترین چیز در این شرایط برای من زمانی است که باید پدرم در ترافیک بمانم. آن لحظه مامانم باید پدرم را آرام کند تا عصبانیتش کم شود و به من اشاره می‌کند که خواهر کوچکم را آرام کنم و نگذارم سرو صدا کند.



نمی‌توانیم عبور کنیم که بیشتر از هر کسی، پدر و مادرها با ایجاد روابط عاطفی پایدار در خانه و همچنین با رفتارهای درست ترافیکی در خیابان می‌توانند بهترین گزینه برای فرهنگ‌سازی آموزش ترافیک به فرزندانمان باشند.

رئیس پلیس راهور مشهد
سرهنک احمدنوری

مدیریت ترافیک از خانه به خیابان

کاربر ترافیکی قانون‌مدنی را تحویل معابر پرخطر شهر دهد. شاید نظرات متعددی در این باره وجود داشته باشد که یک دست صدا ندارد. به عنوان نمونه جای خالی ترافیک در نظام آموزشی، مدیریت شهری و... خالی باشد اما از این حقیقت

همین
نزدیکی

رفتارهای آن‌ها الگو برداری می‌کنند. حالا اینکه تفکر هر کودکی از ترافیک، تصادف و هرآنچه به کف خیابان مرتبط می‌شود از چه سنی آغاز می‌شود بستگی به شرایطی دارد که در آن قرار گرفته است. کودکی که هر روز با خودرو پدرش به مهد کودک می‌رود با کودکی تا قبل از مدرسه رفتن پرستار خانگی داشته بی‌تردید متفاوت است. اینکه هر خانواده در مراحل تربیتی

فرهنگ ترافیک از سنین پایه و خردسالی در ذهن کودکان نقش می‌بندد. رعایت حقوق دیگران، رعایت انضباط اجتماعی و تقدم منافع جمعی به فردی، همه و همه در رفتارهای پدر و مادرهایی که پشت فرمان می‌نشینند، پنهان است. علم روان‌شناسی نیز اثبات کرده است که والدین آینه تمام‌نمای فرزندان‌شان هستند و کودکان بیشتر از هر کسی از